[خطبه‌ی اول 2](#_Toc467478814)

[شخصیت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) 2](#_Toc467478815)

[اهل بیت(ع) و مصیبت حضرت زهرا(س) 3](#_Toc467478816)

[برتری حضرت زهرا(س) بر زنان عالم 3](#_Toc467478817)

[فاطمه‌ی زهرا(س) پاسخی قاطع به اهل سنت 4](#_Toc467478818)

[فاطمه(س) برترین فرد در نزد پیامبر اکرم(ص) 5](#_Toc467478819)

[الگوی فاطمه‌ی زهرا(س) در دعا کردن 6](#_Toc467478820)

[لزوم الگوگیری از فاطمه‌ی زهرا(س) 6](#_Toc467478821)

[مقام و منزلت فاطمه‌ی زهرا(س) در نگاه نبوی 7](#_Toc467478822)

[مصیبت‌های وارده بر فاطمه(س) از نگاه حضرت رسول(ص) 8](#_Toc467478823)

[خطبه‌ی دوم 9](#_Toc467478824)

[برنامه‌ریزی برای مناسبت‌های مذهبی در اماکن عمومی 9](#_Toc467478825)

## خطبه‌ی اول

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل «وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی»**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## شخصیت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س)

بااینکه در هفته‌های قبل، مسائل اخلاقی در اقتصاد اسلامی و آداب و شرایطی که ازنظر اخلاقی، جامعه‌ی اسلامی در کسب‌وکار و تجارت و زندگی اقتصادی باید رعایت کنند، بود که فکر می‌کنم که باید روی این مسئله کار شود تا فرهنگ جامعه به‌تدریج، جامعه از این معارف اسلامی هم آشنا شود و هم شکل بگیرد. اما این هفته بحث هفته‌های قبل را نخواهم داشت و در آستانه‌ی شهادت صدیقه‌ی طاهره فاطمه‌ی زهرا(س) هستیم و واقع حیف است که در این فرصت‌ها از ام‌الائمه فاطمه‌ی زهرا(س) صحبت نشود. ذکر و یاد اهل‌بیت و ائمه‌ی طاهرین(ع) ثواب دارد و از عبادات است؛ آن‌هم در این مناسبت‌هایی که با شهادت حضرت زهرا(س) هماهنگ شده است. حضرت زهرا(س) مقام خاصی از ولایت و معرفت و نورانیتی دارد که ائمه‌ی معصومین(ع) هم در برابر شخصیت ایشان متواضع بودند و در مصیبت‌های فاطمه‌ی زهرا(س) هم همیشه گریان بودند و هیچ‌گاه فراموش نمی‌کردند.

## اهل بیت(ع) و مصیبت حضرت زهرا(س)

در داستانی هست راوی نقل می‌کند که امام جواد(ع) چهارساله بودند و در مقابل امام رضا نشسته بودند. حضرت دیدند امام جواد(ع) دست‌ها را به زمین گذاشته و به فکر عمیقی فرورفته است. حال این کودک چهارساله، حال تاثر و مصیبتی شد. امام رضا(ع) به فرزند خود خطاب کردند که مسئله‌ای چه هست که شما این حالت را به خود گرفته‌اید؟ امام جواد(ع) پاسخ دادند: من به یاد مصیبت‌هایی که به جده‌ی بزرگوارم افتادم و در این فکر بودم که این‌ حال را پیدا کردم. این نمونه‌ای از نمونه‌های فراوانی است که اصولاً خود ائمه‌ی معصومین(ع) نسبت به مقام ولایت و مقامات معنوی حضرت زهرا(س) یک تواضع خاصی داشته‌اند و برای مصیبت آن حضرت هم حساب خاصی باز کرده بودند؛ یعنی همان‌طور که حادثه‌ی کربلا و شهادت امام حسین(ع) یک پرونده‌ی مخصوصی دارد و اهل‌بیت(ع) حساب خاصی باز می‌کردند، مظلومیت فاطمه‌ی زهرا(س) در همان ردیف هست. این نمونه‌ای است که امام جواد(ع) در چهارسالگی به فکر فرو می‌رود و وقتی‌که امام رضا(ع) سؤال می‌کند که چه اتفاقی افتاده می‌فرماید: به یاد مصیبت‌های جده‌ی خود فاطمه‌ی زهرا(س) افتادم. ائمه‌ی دیگر و اولیاء الهی و اهل معرفت هم همین‌طور است.

## برتری حضرت زهرا(س) بر زنان عالم

برای فاطمه‌ی زهرا(س) یک مقام خاصی هست و آن مقام معنوی حضرت زهرا(س) و مقام معرفت ایشان، همان مقام امامت و ولایت هست؛ گرچه بنابر ظاهر و مصالح الهی ایشان امام نیستند؛ اما از نظر تکوینی و مقامات روحی و درجاتی که یک فرد می‌تواند بین او در مسیر خدا پیدا کند، ایشان در همان مقام ائمه(ع) هستند و همان روح ولایت و رکن اصلی و پایه‌ی اصلی امامت که همان معرفت خداوند و وصول به درجات رضوان و قرب الهی باشد، در فاطمه‌ی زهرا(س) جمع بود. گرچه به‌حسب ظاهر ایشان امامت نداشتند ولی در مقامات الهی و معرفت چیزی کم ندارند. از همین جهت هم هست که در روایات زیادی وارد شده که وقتی‌که ایشان با زنان بزرگ تاریخ مانند مریم و آسیه و کسانی که در قرآن کریم مستقیم یا به اشاره از آن‌ها نام‌برده شده، در تاریخ همان‌طور که در میان مردان اسوه‌های بزرگی وجود داشته، در میان زنان هم شخصیت‌های بزرگی پیداشده‌اند. این از مسلمات روایات ماست و از ضروریات مذهب ماست که فاطمه‌ی زهرا(س) و مقامات ایشان و این دخت بزرگوار پیامبر گرامی اسلام(ص) بر همه‌ی زن‌های اسوه‌ی تاریخ، برتری داشته است. حضرت مریم خیلی مقامات دارد و سیده و بزرگ زن‌های زمان خود بود؛ اما حضرت زهرا(س) سیده‌ نساء العالمین است؛ یعنی در این عالم بین زنان به‌طور مطلق کسی برتر از ایشان نیست و احتمالاً این‌طور باشد که مقام معنوی ایشان از بسیاری از انبیاء هم برتر باشد. این‌ها مقامات کمی نیست و تعارف و مبالغه هم نیست.

## فاطمه‌ی زهرا(س) پاسخی قاطع به اهل سنت

 شاید در همین خطبه‌ها یا جای دیگر عرض کرده باشم که پیغمبر اکرم(ص) **«إِنْ هُوَ إِلاَّ وَحْيٌ يُوحى‏ وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوى»**[[1]](#footnote-1)‏ قدمی، کلامی، لحظه‌ای، حرکتی هیچ‌چیزی از پیامبر به لغو و باطل و خلاف حق نیست. اگر بخواهیم فاطمه‌ی زهرا(س) را در آینه‌ی کلام پیامبر و سیره‌ی پیغمبر نگاه کنیم، می‌بینیم که در یک حدی است که هیچ‌یک از اصحاب به آن نمی‌رسند؛ جز کفو ایشان که امیرالمؤمنین(ع) است این‌طور در رفتار و گفتار پیامبر ندرخشیده است. این دو نفر بین سلمان‌ها ابوذرها و‍ شخصیت‌های بزرگ تاریخ اسلام و افرادی که خود پیامبر هم به آن‌ها خیلی احترام قائل بود، اما حساب این دو شخصیت مجزا بود و داستان این دو با دیگران، مثل خورشید با ستاره‌ها بود. فاطمه‌ی زهرا(س) این مقام را دارد. پیامبر اکرم فرزندان دیگری داشتند. فرزند ذکوری داشتند که زود از دنیا رفتند و دختر هم فرزندان دیگری داشتند؛ اما هیچ‌یک مانند فاطمه‌ی زهرا(س) سخن به میان نیامده است. هیچ‌کدام از آن‌ها مورداحترام و تکریم بی‌حدوحساب پیامبر قرار نگرفته‌اند «**إِنْ هُوَ إِلاَّ وَحْيٌ يُوحى‏ وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوى»** [[2]](#footnote-2)‏این از مسائلی است که برادران اهل سنت ما واقعاً نمی‌توانند جواب آن را بدهند که یک شخصیتی با این تعاریف و امتیازات، در کلام و رفتار پیامبر بدرخشد؛ اما آن‌طور مورد ظلم قرار بگیرید. این دو باهم قابل‌جمع نیست. خیلی عجیب است که ابن ابی الحدید که از علمای اهل سنت هست و شرح نهج‌البلاغه‌ی خوبی هم دارد ولی وقتی به قضیه‌ی حضرت زهرا(س) که می‌رسد. الآن فرصت نیست که بیان کنم چون یاد و ذکر فاطمه‌ی زهرا(س) عشق و آرمان ماست و برای ما شناخت و آرمان‌های آن حضرت برای ما ضروری‌تر و لازم‌تر است. خصوصاً برای خواهران محترم. خواهش امروز من هم از خواهران گرامی این است که روی زندگی فاطمه‌ی زهرا(س) بیشتر مطالعه کنند. ابن‌ابی‌الحدید این عالم سنی از مشایخ خود نقل می‌کند و می‌گوید: اصل آن ظلمی که به حضرت زهرا(س) شد؛ اصل این‌که ارث او را از او گرفتند و به ایشان متعرض شدند، به نظر می‌رسد که قابل‌شک نباشد. بعد سؤال می‌کنند که اگر کسی را پیامبر به‌عنوان علامت دین معرفی کرده باشد، چطور می‌شود این مقام ولایت و نشانه‌ی دین خدا، مورد تعدی و تجاوز قرار بگیرد و چطور می‌شود پاسخ داد؟ ما بحث اختلاف تفرقه را نداریم ولی باید روی این قضیه فکر کرد. هرکسی منصف است باید تأمل کند که کسانی که در برابر فاطمه‌ی زهرا(س) موضع گرفتند؛ در برابر سیده النسا العالیمن؛ در برابر خانمی که راوی می‌گوید: من هشت ماه در مدینه بودم و هرروز در نماز پیامبر اکرم شرکت می‌کردم. می‌گوید: هیچ روزی در این هشت ماه نبود مگر این‌که پیامبر گرامی اسلام صبح و شب به خانه‌ی فاطمه سر می‌زدند و سلام می‌دادند. اگر دختر مطرح باشد، دختران دیگری هم داشته است. اگر مؤمنین مطرح بودند، کسان دیگری هم بودند. کارهای ایشان مثل ما از روی هوا و هوس نبوده است. روی یک معیار و ملاکی پیامبر اکرم سخن می‌گفتند و موضع می‌گرفتند. فاطمه‌ی زهرا(س) نه از باب دختری ایشان، این خیلی شرافت و انتصاب بزرگی است؛ اما این را دیگران هم داشته‌اند. در فاطمه گوهری بود که در دیگران نبود و همان بود که اول مخلوق عالم وبرترین موجود عالم، حضرت محمد بن عبدالله تا این حد در برابر فاطمه‌ی زهرا(س) تواضع نشان می‌دهد. می‌گوید: هشت ماه در مدینه بودم و هیچ روزی این سلام رسول گرامی اسلام به خانه و فاطمه‌ی زهرا(س) ترک نشد. این معنای زیادی دارد. با سلام و احترام خود، خط و راه آینده را نشان می‌دهد. با سلام خود خط سیر هدایت و امامت جامعه را مشخص می‌کند. این خانه را مرکز سیاست و امور جامعه نشان می‌دهد. این خطی است که پیامبر نشان می‌دهد. این‌که پیامبر شب تا او را نمی‌بوسید و به او احترام نمی‌گذاشت، نمی‌خوابید. همه‌ی این مضامینی که عرض می‌کنم در کتب روایی شیعه و کتب متعدد برادران اهل سنت ما هم نقل‌شده است. این‌که دست او را می‌بوسید و او را ام‌ابیها خطاب می‌کرد. این از نظر رفتار پیامبر است که این‌قدر احترام می‌گذاشت. در مسافرت‌ها، آخرین جایی که از آن خارج می‌شد و اولین جایی که بعد از مسافرت وارد می‌شد، خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا(س) بود. آن‌قدر در این رفتار توجه داشت که دیگران گاهی حسادت می‌کردند. بیشتر این فضائل را خود عایشه نقل کرده است. در کتاب شیخ عباس قمی و کتاب الغدیر هم هست. خیلی از این فضائل را عایشه نقل کرده است. عایشه‌ای که روی فاطمه‌ی زهرا(س) خیلی حساس بود. گاهی هم به پیامبر اکرم اعتراض می‌کرد که این چه چیزی است که این‌طور با ایشان رفتار می‌کنی؟ پیامبر می‌فرمود: من در فاطمه‌ی زهرا بوی بهشت را استشمام می‌کنم. او ثمره‌ی بهشت و میوه‌ی بهشت است. هر وقت من اشتیاق به بهشت پیدا می‌کنم، بوی بهشت را از این زن بزرگ بشریت و اسلام استشمام می‌کنم. بااینکه پیامبر اکرم اخلاق حسنه‌ای داشتند و سعی می‌کردند که حساسیت ایجاد نکنند و تفرقه ایجاد نشود؛ اما اینجا دیگر جای این حرف‌ها نیست. من خیال می‌کنم که اگر این حساسیت‌ها نبود، خیلی بیش از این ظهور پیدا می‌کرد. این برای جامعه‌ی اسلامی لازم بود که این خانه و این خاندانی که اطراف او هستند در اسلام اصل هستند. این در عمل پیامبر است که من قطره‌ای از دریا به آن اشاره کردم که خود اهل سنت هم دارند.

## فاطمه(س) برترین فرد در نزد پیامبر اکرم(ص)

در گفتار هم که سال گذشته، حدود ده بیست روایت در همین خطبه‌ها یا در صحبت دیگری خواندم که تعبیرات فوق‌العاده عجیبی در مورد فاطمه‌ی زهرا(س) دارد. شما این تعبیرات را به زمانی ببرید که زن ارزشی بین مردم نداشت وزنده به گور می‌شد و موجود بی‌ارزشی بود. در مقابل آن‌همه شخصیت‌ها و اصحاب بزرگ اسلام ببرید. ابوذرها، مقدادها، سلمان‌ها و افراد مختلف، در میان آن‌ها فاطمه‌ی زهرا(س) گل کرد و این‌طور مورداحترام و سفارش پیامبر است. این خیلی مهم است. یک‌وقت ما چیزی می‌گویم ولی گاهی با شرایط آن زمان می‌سنجیم. آن وضع زن، آن شرایط جاهلیت قبل از اسلام، آن حساسیت‌های درون خانه‌ی پیامبر که گاهی ایشان را مسخره می‌کردند و به مادر ایشان توهین می‌کردند و نظایر این‌ها که جای گفتن همه‌ی آن‌ها نیست. با آن حساسیت‌های درون خانه. خیلی سخت است که وقتی این مشکل در خانه باشد، به‌راحتی نمی‌تواند یکی را برتری بدهد. بعد هم کسی که در جامعه بود و مسائل مختلف بود، می‌بینیم در آن شرایط پیامبری که کلامی غیر حق نمی‌گوید این‌طور با فاطمه‌ی زهرا(س) رفتار و سخن می‌راند. این تعبیر را کم نگیرید. شاید این را اهل سنت هم نقل کرده باشند که حضرت فرمود: او که در محراب عبادت می‌ایستد، نور او آسمان‌ها را دربرمی‌گیرد. نور فاطمه، تا آسمان‌ها می‌رود. این مقام فاطمه‌ی زهرا(س) است که روایت مفصلی است. ابن‌ابی‌الحدید که این‌ها را دیده است. در این دو سه مطلب، کسی نمی‌تواند شک کند. بحث شیعه و سنی در بحث‌های علمی، جایی که آن‌ها عاجز از پاسخ هستند، فاطمه‌ی زهرا(س) است. چند مطلب در اینجا هست که خود اهل سنت هم این را قبول دارند. یکی این‌که فاطمه‌ی زهرا(س) مورداحترام و سفارش و تأکیدات و توصیه‌های کم‌نظیر، بلکه بی‌نظیر پیامبر اکرم است. از خود کتب اهل سنت هم صدها شاهد در این زمینه وجود دارد. احدی از مسلمین نمی‌تواند این را رد کند مگر این‌که تعصب جاهلی و فکر خرابی داشته باشد و الا همه باید این را قبول داشته باشند و قبول هم دارند که این مقام فاطمه‌ی زهرا(س) است.

مطلب دوم هم این است که این گفته‌ها و رفتار پیامبر روی حق است. احتمال این‌که به خاطر خویشاوندی و ملاحظات خاص دیگری باشد، نیست. قطعاً حضرت خدیجه و فاطمه‌ی زهرا(س) یک مقام مخصوصی داشتند و کسی با فاطمه‌ی زهرا(س) قابل‌مقایسه نیست. این احترام و گفتار پیامبر هم روی یک ملاک و معیار و حقانیت اوست و اگر این دو مطلب را قبول کنیم مطلب سوم این کسانی که با حضرت بسیار بدرفتار کردند و حضرت مجبور شد که در مسجد پیامبر حاضر شوند و خطبه بخوانند و شکایت کنند. این را نمی‌توان انکار کرد که به در خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا(س) رفتند. شاید در جزئیات بین شیعه و سنی اختلاف باشد ولی در کلیت آن این است که به فاصله‌ی چند روز بعد از رحلت پیامبر اکرم به خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا(س) تجاوز و تعدی کرد. این هم را هم کسی نمی‌تواند انکار کرد. این دو مطلب اول و این مطلب سوم چطور قابل‌جمع است؟ می‌شود پذیرفت کسانی خلیفه‌ی پیامبر باشند و اولین و مهم‌ترین سفارش‌های پیامبر را زیر پا بگذارند؟ تمام این‌ها مستند به کتب اهل سنت است و جای شک نیست. در حد بحث هم مسئله‌ای نیست که مطرح شود. انقلاب و کشور ما پیشتاز وحدت اسلامی است. ما خیلی از چیزها را ظاهر نمی‌کنیم و به خاطر وحدت دنیای اسلام است و عقیده‌ی قطعی ماست؛ اما در مقام بحث، باید دیدگاه‌ها مشخص شود. ابن‌ابی‌الحدید به اینجا که می‌رسد می‌گوید: ما نمی‌دانیم. باید حمل بر صحت کنیم. این کاری نیست که بشود.

## الگوی فاطمه‌ی زهرا(س) در دعا کردن

شخصیت فاطمه‌ی زهرا(س) الگوی خانم‌ها نیست و الگوی تمام بشریت است البته برای خانم‌ها بیشتر. در گوشه گوشه‌ی زندگی ایشان هم دقت شود مانند عبادت، آن‌قدر به عبادت می‌ایستادند که قدم‌های ایشان متورم می‌شد. امام حسن و امام حسین قضایایی را از عبادات مادر نقل کرده‌اند که شگفت‌انگیز است. در نقلی آمده است که در شبی مادر ما به قرآن و نماز و عبادت مشغول است و فقط هم به دیگران دعا می‌کند. یک‌کلام ندیدیم که از اول تا آخر تهجد و عبادت خود، برای خود دعا کند. عرض کردند که چرا این‌طور است؟ فرمودند: «**الْجَارَ ثُمَّ الدَّار**»[[3]](#footnote-3) اول باید به فکر همسایه باش. اول به فکر جامعه باشید. از مال، مقام، تمکن و غیره برای دیگران استفاده کنید. این مکتب زهراست. این مکتب خاندان عصمت و طهارت و اهل‌بیت(ع) است. «**الْجَارَ ثُمَّ الدَّار**» این‌طور در عبادت خدا محو است و در متن عبادت، به یاد دیگران و مردم هست. به یاد همسایه و جامعه هست. معرفت و علم حضرت که بارها حضرت مورد سؤال قرار گرفت که به بهترین نحو سؤالات فقهی و معرفتی را جواب می‌دادند. الی ماشاالله از این کمالات را حضرت داشتند که به مناسبت‌های دیگر هم ‌عرض شده است.

## لزوم الگوگیری از فاطمه‌ی زهرا(س)

در ادامه‌ی همین بحث، یک حدیث شریفی که از پیامبر اسلام نقل‌شده است که از رو می‌خوانم و ترجمه می‌کنم. در این حدیث، عالمی از حقائق و معارف است و دنیایی از درس است که باید از آن استفاده کرد. برادران و خواهران؛ ما درزمانی هستیم که این الگوها و اسوه‌ها را باید پیدا کنیم. متأسفانه می‌بینیم که از این ارزش‌ها دور می‌شویم. در یکی از روزنامه‌ها با عده‌ای دختر و پسر مصاحبه کرده بود و گفته بود که الگوی شما کیست؟ متاسفانه بسیاری الگوهای ورزشی و الگوهای غیره را معرفی کرده بودند. البته تعدادی هم حضرت زهرا(س) را الگوی خود قرار داده بودند. دختران و دانش آموزان ما باید این الگو را مد نظر قرار بدهند. نباید در مسیر تهاجم فرهنگی غرب و تعفن فسادها و خشونت‌ها و دوری از خدا در غرب هست، قرار بگیریم. این خطر بزرگی برای ماست و از برای ما زشت است که این اسوه‌ها و الگوها و شخصیت‌های والا را داشته باشد و جوانان آن جامعه در راه دیگری قدم بردارند. از شیعه‌ای که علی و زهرا و این چهره‌های درخشان تاریخ اسلام را دارد و زندگی آن‌ها همیشه زنده و الهام‌بخش است بسیار زشت و بعید است. از این‌که خواهرانی در مراکز علمی، مدارس، دانشگاه‌ها به فکر الگوهای غربی باشند؛ وضع ظاهر، اخلاق و معاشرت خود را از غرب و دنیای جاهلیت غرب بگیرند، برای جامعه‌ی ما خیلی تأسف دارد و جامعه‌ی ما باید در مقابل این حرکت‌ها با کار تبلیغی، امربه‌معروف و نهی از منکر و ارائه‌ی چهره‌ی نورانی این‌ها باید ایستاد. خواهر گرامی شما با داشتن فاطمه‌ی زهرا(س) ، با این زن نمونه‌ی بشریت، با این چهره‌ی درخشان عالم علم و ایمان و معرفت، به کجا می‌روی و از کجا می‌خواهی درس بگیرید. باید به این سؤال، جدی تأمل کرد. خود جوانان، والدین. ما در فضای خانواده باید به فرزندان الگو بدهیم. از آغاز شروع درس خواندن بچه‌ها و قبل از آن باید محبت اهل‌بیت(ع) با روح فرزندان ما عجین شود. باید چهره‌ی درست و نورانی این‌ها در ذهنیت و فکر و اندیشه‌ی فرزندان ما مطرح شود. این مسئولیت تربیتی والدین، مراکز علمی است که این الگوها را طرح کنیم. اهل‌بیت در رأس هستند و در طول این‌ها چهره‌های ارزشمندی داریم. این جای شگفتی و تعجب است که غرب در یک‌راهی قرارگرفته است که خودشان به بن‌بست رسیده‌اند و مشکلات دارند. در آمریکا دختران در آن فساد و تعفن قرارگرفته‌اند از همان سنین کودکی که در آمارهای روزنامه‌ها هم آمده است که شاید دیده باشید. صدای بسیاری از سیاست‌مداران را هم درآورده است. اگر کنترل نباشد، اگر معلم و مربی و جامعه و خانواده‌ها دقیق نباشند، آینده‌ی خطرناکی خواهیم داشت.

## مقام و منزلت فاطمه‌ی زهرا(س) در نگاه نبوی

یاد فاطمه‌ی زهرا(س) باید این الگوها در ذهن ما مجسم شود و به دیگران و فرزندان و نسل آینده منتقل کنیم. این وظیفه‌ی ماست و الا اوضاع خطرناکی پیش روی ما خواهد بود. ما را. در شهوات غوطه‌ور خواهند کرد که پایانی ندارد و این‌همه معنویت را از ما خواهند گرفت. باید به هوش بود و تأمل کرد و پرچم امربه‌معروف و نهی از منکر و تبلیغ دینی و تربیت دینی را برافراشت و جامعه را از این تخلفات حفظ کرد. با توجه به این روایت ببینید که فاطمه کیست و الگو ما کیست و باید چگونه باشیم. این را مرحوم صدوق در یک روایت طولانی نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم آینده‌ی اهل‌بیت خود را پیش‌بینی کرده‌اند و فرمودند که این امت در آینده با اهل‌بیت من چگونه رفتار خواهند کرد تا به فاطمه‌ی زهرا می‌رسند و می‌فرمایند: «**وَ أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِين»**‏[[4]](#footnote-4) فاطمه‌ی زهرا(س) ، سیده‌ی زنان عالم از اول تا پایان تاریخ است؛ یعنی مقام ایشان قله‌ای است که هیچ‌کسی به آنجا نمی‌رسد. « **وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي**»‏ او پاره‌ی تن و جان من است« **وَ هِيَ نُورُ عَيْنِي** » او نور چشمان من است « **وَ هِيَ ثَمَرَةُ فُؤَادِي** » او نتیجه و میوه‌ی قلب من است. میوه‌ی قلب پیامبر، قلبی که مهبط وحی الهی و ملائکه بود، میوه‌ی این قلب نورانی، فاطمه است. « **وَ هِيَ رُوحِيَ علّتی بَيْنَ جنبی‌** » او جان من است نور چشم من است ثمره‌ی قلب من است و اوج که می‌گیرد می‌فرماید: او جان من است. همین‌طور در این روایت سیر کرده است. اول فرموده است: پاره‌ی تن من است؛ نور چشم من است. یک‌قدم بالاتر آمد. میوه‌ی قلب من است. یک‌قدم بالاتر آمد و در اوج آن می‌فرماید: او جان من است و او خود من است. « **وَ هِيَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدِي رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاء**» آنگاه‌که دختر من به محراب عبادت بایستد، نور او در مقابل ملائکه‌ی آسمان‌ها می‌درخشد. نور فاطمه، آسمان و عالم ملائکه را نورانی می‌کند. ملائکه متن نور هستند ولی نور فاطمه برای آن‌ها می‌درخشد. خیلی باید نور قوی باشد که نور ملائکه را تحت شعاع قرار دهد. عالم ملائکه عالم نور و معرفت و غیب است و برای آن‌ها عالم شهود است؛ ولی زمانی که فاطمه به بندگی خدا می‌ایستد، نور ایشان آسمان‌های نورانی را منور می‌کند. این‌قدر نور ایشان پر شعاع است. همان‌طور که نور ستارگان و خورشید، زمین را روشن می‌کند؛ منتها اینجا تاریک است و با آن‌ها روشن می‌شود. عالم ملائکه پر از نور است و نور فاطمه آنجا را روشن می‌کند مثل‌اینکه خورشید زمین را روشن می‌کند. اگر خورشید و کواکب نباشد، ما در ظلمت مطلق هستیم. این‌ها چطور ما را از ظلمت بیرون می‌آرود؛ این نسبت بین فاطمه و عالم ملائکه است. عالم ملائکه، نور مطلق است و نور فاطمه عالم ملائکه را نورانی می‌کند و شعاع این نور، به عالم غیب واصل می‌شود و از این بالاتر، گام‌به‌گام پیامبر اکرم فاطمه را توصیف می‌کند. آن‌قدر نور فاطمه درخشان است و عبادت این بنده‌ی خدا افتخارآفرین است که خدا به ملائکه‌ی خود افتخار می‌کند. ما چه کسی هستیم که به فاطمه افتخار کنیم؛ خداوند، پیامبر و علی به او افتخار کرده است. خدا می‌فرماید: **« يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَى أَمَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ إِمَائِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدِيَّ تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي»** به فاطمه و بنده‌ی من نگاه کنید. چگونه در مقابل من ایستاده است که **«قَائِمَةً بَيْنَ يَدِيَّ تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي‏»** بند بند استخوان های او از ترس من در محراب عبادت به لرزه در آمده است. **« وَ قَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي‏»** با همه ی وجود به عبادت من پرداخته است. این زهراست. این نور آسمان ها و زمین است. **«أُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ شِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ‏»** من شما را گواه می‌گیریم که شیعه ی فاطمه و کسانی که در راه او قدم برداشته اند را در روز قیامت از عذاب حفظ می‌کنم و همه‌ی امید ما به این عشق و محبت بی‌پایانی است که به زهرا و خاندان ایشان داریم.

## مصیبت‌های وارده بر فاطمه(س) از نگاه حضرت رسول(ص)

 حضرت در قسمت‌های آخر می‌فرمایند: **« وَ أَنِّي لَمَّا رَأَيْتُهَا ذَكَرْتُ مَا يُصْنَعُ بِهَا بَعْدِي‏»**.من هر گاه به چهره‌ی فاطمه نگاه می‌کنم، خاطرات بعد از خودم را تجسم می‌کنم. مظلومیت فاطمه و ظلم و ستمی که به فاطمه می‌شود را به خاطر می‌آروم. «**كَأَنِّي بِهَا وَ قَدْ دَخَلَ الذُّلُّ بَيْتَهَا** ». گویا در جلوی چشمان من مجسم است که چگونه این خانه‌ی عزیز خدا، در مقابل این مردم بی‌معرفت، به ذلت کشیده می‌شود. گویا پیامبر اکرم می‌بیند که مردم جمع شدند و هیزم آوردند و خانه‌ی وحی را و خانه‌ی فاطمه را آتش می‌زنند. گویا من می‌بینم که این خانه به ذلت کشیده شده است. «**انْتُهِكَتْ حُرْمَتُهَا**». حرمت این خانه، شکسته شده است و حق و ارث او را ظالمان بردند. از این بالاتر، گویا می‌بینم که دخترم، نور چشمم، میوه‌ی قلبم و جان من که پهلوی مبارکش کشته و جنین او سقط شده و صدای یا محمدا سر می‌دهد ولی کسی جواب نمی‌دهد.

**«بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ»**

صدق الله العلی العظیم.

## خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** همه‌ی شما خواهران و برادران و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری، به یاد مرگ در همه‌ی احوال و یاد قبر و قیامت در همه‌ی احوال زندگی و به یاد خداوند و شکر و سپاس خداوند، سفارش و دعوت می‌کنم. خداوندا به همه‌ی ما توفیق شکر و ذکر خودت در همه‌ی احوال، عنایت و کرامت بفرما.

## برنامه‌ریزی برای مناسبت‌های مذهبی در اماکن عمومی

با توجه به این‌که خطبه‌ی اول طول کشید و فرصت کمی برای این خطبه باقی‌مانده است. برای من و شما یاد و ذکر حضرت زهرا(س) چنان دل کش و دلرباست که مشکل است وقتی‌که سخن در مورد حضرت زهرا(س) می‌گوییم را قطع کنیم. فرصتی نیست که در این خطبه مطلب خاصی کنم. ضمن تأکید مجدد به تقوا و پرهیزکاری، ادامه‌ی توصیه‌ی خطبه‌ی اول رادارم که ما در این زمان بیش از هر زمان دیگر، نیاز به شناخت این اسوه‌ها داریم. در این مناسبت‌ها هم روحانیت و خود مردم باید مراسم‌های خوبی برگزار کنند. چه در اعیاد و چه در وفیات مراسم خوبی برگزار کنند. سعی کنند در مساجد و مراکز علمی خصوصاً در مدارس و دانشگاه‌ها که بحمدالله چندین کار دانشگاهی در اینجا هست، در ایامی که تعطیل نیستند، حتماً مدریت و مربیان مدارس یک‌وقتی را به این مناسبت‌ها اختصاص بدهند. حتماً کسانی که در مدارس و دانشگاه‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند این را به یاد داشته باشند که در مناسبت‌های متعدد، با برنامه‌ریزی درست، مراسمی بگیرند و سخنرانی و مدحی باشد تا این درخت محبت اهل‌بیت و این شجره‌ی طیبه در قلب‌ها باقی بماند. در مساجد هم همین‌طور باید باشد و باید هرچه بیشتر برنامه‌ریزی شود و باید با محتوا باشد. این بخش به روحانیت برمی‌گردد که باید سخنرانی‌های ما مطلب داشته باشد و با حساب‌وکتاب صحبت کنیم. مردم هم باید مراسمی ترتیب بدهند و این مناسبات گرامی داشته شود. اهل‌بیت هم این را از ما خواسته‌اند و نفع آن‌هم به خود ما می‌رسد. در این زمان و این تبلیغات دنیا که همه‌ی ارزش‌ها را می‌خواهند زیر پا بگذارند، بهترین مستمسک ما اهل‌بیت هستند که باید چهره‌های این‌ها بیشتر شناخته شود. همه‌ی جامعه‌ی ما باید با حقانیت و ابعاد مختلف وجودی اهل‌بیت آشنا شوند. این توصیه‌ای است که من دارم. امیدوارم که مسئولین فرهنگی و عمده خود مردم و روحانیت، توجه خاصی به این مراسم‌ها و ارائه‌ی مطالب درست بپردازند. امیدوارم که خداوند به همه‌ی ما شناخت درست عنایت بفرماید.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر(ع) ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

1. . سوره‌ی نجم، آیه‌ی 3 و 4. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره‌ی نجم، آیه‌ی 3 و 4. [↑](#footnote-ref-2)
3. . بحارالانوار، ج 43، ص 82. [↑](#footnote-ref-3)
4. . بحارالانوار، ج 28، ص 38. [↑](#footnote-ref-4)